

**خبرها**

تازه‌ترین آمار فروش فیلم‌های روی پرده

## عبور «عصبانی نیستم» از مرز یک میلیارد



**بخش فرهنگی**– آخرین آمار فروش فیلم‌های سینمایی روی پرده درحالی توسط پخش کنندگان اعلام شد که برخی از آنان معتقد هستند که میزان فروش فیلم‌ها نسبت به سال گذشته و حتی هفته‌های اخیر کاهش داشته است.

حبیب اسماعیلی مدیر دفتر پخش رسانه فیلمسازان در مورد میزان فروش فیلم سینمایی«خرگوش» به کارگردانی مانی باغبانی بیان کرد: «این فیلم تاکنون دو میلیارد و ۱۸۰ میلیون تومان فروش داشته و در حال حاضر چهار سالن سینمایی در تهران و حدود ۱۰ سالن سینمایی در شهرستانها در اختیار دارد. البته نمایش این فیلم در تهران روبه پایان است اما در سینماهای شهرستانها همچنان ادامه خواهد داشت.»

او در ادامه توضیح داد: «اکران این فیلم در هفته‌های گذشته بهتر بود اما به طور کلی چون فیلم‌های روی پرده زیاد است و تعداد سالن‌های سینمایی نسبت به آن کمتر است، شرایط مطلوبی برای هیچ یک از فیلمسازان وجود ندارد و اکنون ما بیشتر سالن‌هایمان را از دست داده‌ایم و از هفته دیگر هم ماه رمضان شروع می‌شود و همچنین به تازگی فیلم‌های جدیدی اکران شده‌اند، همه اینها بر میزان فروش تاثیرگذار است.»

احمد مختاری پخش کننده فیلم سینمایی «خجالت نکش» ساخته رضا مقصدوی درباره میزان فروش این فیلم گفت: «فیلم «خجالت نکش» که تقریباً ۹ روز است که روی پرده سینما رفته، تاکنون با در اختیار داشتن ۲۶ سالن سینمایی در تهران و ۲۴ سالن در شهرستان‌ها، ۴۸۵ میلیون تومان فروش داشته است.» او با اشاره به اینکه فیلم «فراری» به کارگردانی علیرضا داوودزاد اکنون فقط در چند شهرستان روی پرده است درباره شرایط نمایش فیلم‌های روی پرده اظهار کرد: «چون اکران فیلم‌های نوروزی رو به پایان است، شرایط فروش فیلم‌های جدید رو به بهبود و بالا رفتن است و ترجیح می‌دهیم که فیلم‌مان را با وجود ترافیک اکران و نمایش همزمان چند فیلم، به نمایش بگذاریم زیرا بالاخره کسی که بخواهد فیلمی را ببیند شرایط برایش مهیا باشد.»

غلامرضا فرجی درباره مقدار فروش انیمیشن سینمایی «فیلشاه» که توسط حوزه هنری پخش می‌شود، اظهار کرد: «این انیمیشن سینمایی که از اواخر اسفندماه روی پرده رفته است، تاکنون شش میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان فروش داشته است. این انیمیشن سینمایی اکنون در ۷۰ سالن به نمایش در می‌آید و می‌تواند تا سقف ۱۰ هفته روی پرده سینماها باقی بماند.»

کارگردانی پوریا آذربایجانی که از ۱۲ اردیبهشت‌ماه به نمایش درآمده، با در اختیار داشتن ۲۰ سالن در تهران و شهرستان، ۴۰ میلیون تومان فروش داشته است.»

فرجی در ادامه بیان کرد: «ماری که اکنون وجود دارد نشان می‌دهد که ما با کاهش فروش مواجه شده‌ایم ولی همچنان فیلم‌هایی که در اکران اول سال بودند به نسبت فیلم های دوم فروش بیشتری داشتند که بخش عمده‌ای از آن به دلیل تبلیغات فیلم‌ها در فضای مجازی است که با توجه به فیلترینگ صورت گرفته دچار محدودیت شده است، در مقابل آن هم مدیران فرهنگی می‌توانستند این خلا را پر کنند و صداسیما و شهرداری که فضاهای فرهنگی در اختیار دارند می‌توانند کمک شایانی در این مورد داشته باشند.»

علی سرتیپی مدیرعامل موسسه پخش فیلمران، آمار فروش فیلم‌های سینمایی «به وقت شام»، «عصبانی نیستم»، «چهارراه استانبول» و «نگزاس» را به این ترتیب بیان کرد: «فیلم سینمایی «به وقت شام» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا تاکنون ۱۲ میلیارد ۵۰۰ میلیون تومان فروش داشته و در حال حاضر در ۴۲ سالن سینمایی به نمایش در می‌آید. همچنین فیلم «عصبانی نیستم» به کارگردانی رضا درمیشیان که از ۱۲ اردیبهشت ماه روی پرده رفته است، تاکنون یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان فروش داشته که در حال حاضر ۶۲ سالن سینمایی در اختیار دارد.»

او ادامه داد: «فیلم سینمایی «چهارراه استانبول» با در اختیار داشتن ۶۷ سالن، ۸۳۰ میلیون تومان فروش داشته و «نگزاس» به کارگردانی مسعود اطیابی که از اواخر فروردین به نمایش درآمده، با اکران در ۷۰ سالن، تاکنون پنج میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان فروش کرده است.»

سرتیپی معتقد است: «این هفته فروش سینماها نسبت به هفته گذشته افت داشته است، اما نسبت به سال گذشته در همین ماه، هم با افزایش مخاطب و هم افزایش فروش مواجه هستیم البته نسبت به سینمای کورش این ارزیابی را دارم.»

محمدرضا صابری از دفتر پخش نورتایان درباره آمار فروش فیلم سینمایی «آن سوی ابرها» به کارگردانی مجید مجیدی گفت: «این فیلم که تاکنون با زبان اصلی و زیرنویس فارسی در شش سینما به نمایش درآمده است، ۷۶ میلیون تومان فروش داشته و قرار است از ابتدای ماه مبارک رمضان با دوبله فارسی و به صورت گسترده در سینماهای سراسر کشور به نمایش دربیاید.»

همایون امکانیان مشاور پخش نیکان فیلم نیز درباره میزان فروش دو فیلم سینمایی «خوک» و «مصادره» اظهار کرد: «فیلم سینمایی «خوک» به کارگردانی مانی حقیقی تا کنون با نمایش در ۲۰ سالن، ۲۵۰ میلیون تومان فروش داشته است. همچنین فیلم سینمایی «مصادره» به کارگردانی مه‌ران احمدی توانسته به فروش بیش از ۱۴ میلیارد تومان دست پیدا کند.»

او درباره شرایط اکران فیلم‌ها نیز توضیح داد: «با توجه به شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که تاثیر زیادی بر مردم گذاشته و ذهن آنها را مشغول کرده است، شاهد افت فروش فیلم‌ها نسبت به ماه قبل هستیم و به نظر می‌رسد میزان فروش فیلم‌ها کمتر شده است و حتی نسبت به سال گذشته در همین ماه شاهد پایین شدن استقبال مردم از سینما هستیم.»

# هفت رمان بزرگ دنیا به انتخاب روزنامه گاردین

محمودرضا حائری

روزنامه مشهور گاردین در فهرستی منتخبی از رمان های برگزیده جهان را معرفی کرده است در اینجا برگزیده هفت رمان از این فهرست را گرد آورده ایم.



سروانتس
ترجمه ی محمد قاضی
الونسو کیشانو پنجاهساله و نه چندان ثروتمند، لاغر اندام و با صورت استخوانی، به همراه خواهرزاده‌اش، آنتونیا و خدمتکار بداخلاقش در روستای اسپانیایی لامانشا زندگی می‌کند. کیشانو در اغلب کارهایش مردی عملگراست. او نسبت به هرده‌هایش در جامعه، کشیش روستا و طبقه خدمتکاران مهربان است. کیشانو برای طبقه حاکم احترام ویژه‌ای قائل است و آن‌ها را بدون چون و چرا از خود بالاتر می‌داند. او نه میلی به ثروت و مقام دارد و نه فقر آبرومنداناش مایه کج‌خلفی‌اش می‌شود.

بازرزش‌ترین دارایی کیشانو که کتاب‌خوان و اهل تفکر است، کتاب‌هایش هستند. او تحت تأثیر کتاب‌هایش، ابتدا به آیین‌ها، ماجراها و قصه‌های شوالیه‌گری علاقه‌مند می‌شود و سپس به تاریخ شیفته شوالیه‌های ماجراجویی می‌شود که دنبال اموریستی شرافتمندانه و آرمانی هستند. اشتیهای کیشانو به داستان‌های شوالیه‌گری تشدید می‌شود و برای خرید کتاب‌های بیشتر زمین‌هایش را می‌فروشد. کتاب‌ها پشت سر هم قطار می‌شوند و او بیشتر از قبل خودش را غرق مطالعه می‌کند. به گفته سروانتس بر اثر مطالعه زیاد و خواب کم، مغز دن کیشوت آب می‌رود و هوش و حواسش را از دست می‌دهد. رؤیای کیشانو این است که شوالیه‌ای ماجراجو شود و سوار بر اسب و زره بر تن در دنیا ماجراجویی کند. با این هدف که تمام اشتباهات عالم را درست کند.

برادران کارامازوف



فنودور داستایفسکی
ترجمه ی احد علیقلیان
داستان کتاب ماجرای خانواده‌ای عجیب و شرح نحوه ارتباطی است که بین فنودور کارامازوف، پیرمرد فاسدالاخلاق و پسرش با سه پسرش به نام‌های میتیا، ایوان و الیوشا و پسر نامشروعش به نام اسمردیاکوف وجود دارد. برادران کارامازوف

رمانی فلسفی است

که به طور عمیقی در حوزه هیات و وجود خدا، اختیار و اخلاقیات تراجع و تاریک‌اندیشی‌اند، سخت به مادر و عمه ژنیای خود (که بیوه یکی از افسران ناپلئون است) دل بسته است.
فابریس، در ۱۸۱۵، به شنیدن خبر بازگشت ناپلئون از جزیره الب، از خانه می‌گریزد تا به اتفاق وی بجنگد. پس از ماجراهای افسانه‌ای، عصر روز نبرد واترلو، به واترلو می‌رسد؛ بی‌آنکه چیز مهمی دریابد. شاهد نبرد و بعد گرفتار سیل عقبنشینی می‌شود. در بازگشت چون مارکی دل دونگو او را از قصر می‌راند به نزد عمه‌اش در پارم پناه می‌برد. در واقع، ژنیای بسیار زیبا که بیوه مانده است، با نخست‌وزیر شاهزاده پارم، کنت موسکا، آشنایی پیدا کرده و برای حفظ ظاهر، با دوک دو سانسورینا ی پیر ازدواج کرده است و زینت دربار حاکم ظالم و کوچک پارم است.

مادام بواری



عنوان طیبید بهداری به کار می پردازد و با بیوه زنی که مادرش برای او می‌گیرد عروسی می‌کند. زن از او بزرگتر است، او را هم دوست دارد، ولی در مورد او مستبدانه عمل می‌کند.

این کتاب بی‌شک مشهورترین و مقبول‌ترین اثر فلویبر است. به گفته امیل زولا که از سران جنبش واقع گرای و نویسندگان بزرگ قرن نوزدهم ادبیات غرب است، همه کتابهایی که ما می نویسیم و به نظرمان واقعی می آیند، در مقایسه با اثر فلویبر کارهایی سطحی و احساساتی اند و به درد تماشاخانه می‌خورند. نظرانی از این قبیل در باره نقش و اهمیت فلویبر و دو اثر عمده او «مادام بواری» و «تریت احساسات» بسیار بیان شده و کم نیستند نویسندگان منتقدانی که فلویبر را آزاگر رمان مدرن و این دو اثر او را سنگ زیربنای شیوه داستانسرای امروزی می‌دانند.

**بلندی های بادگیر**

امیلی برونتو
ترجمه ی رضا رضایی
راوی رمان بلندی های بادگیر، زنی ست که ماجراهای عجیب و شورتانگیزی از عشق در دو خانواده را شرح می دهد. داستان اصلی کتاب، همانطور که از نام دوم

# {فرهنگ و هنر }

آن نیز می‌توان دریافت، داستان عشق و دلدادگی اعضاء و خدمتکاران دوخانواده ارشا و لینتون، و همچنین کینه و عناد میان آنها است. عشق نا فرجام هینکلیف به کارترین ارشا و در پی آن رشد حسن انتقام جویی نسبت به خانواده ارشاء در هیت کلیف اصلی‌ترین منشأ حوادث داستان است. و الن به عنوان کسی که از هنگام خردسالی تا به حال در این دو خانواده خدمتکار بوده، وقایع را با جزئیات و حساسیت هرچه تمام‌تر نقل می‌کند. داستان زیبای رمان بلندی‌های بادگیر و نثر شاعرانه آن برای مخاطبان بسیار جذاب است.

**بازار خودفروشی**



ولیلیام تکرى
ترجمه ی منوچهر بدیعی
ولیلیام تکرى امروزه از نویسندگان کلاسیک ادبیات جهان به حساب می‌آید و رمان بازار خودفروشی، یکی از مهم‌ترین رمان‌های او و همچنین یکی از مهم‌ترین رمان‌های قرن نوزدهم انگلیس است. منوچهر بدیعی در مقدمه‌ای خواندنی که بر ترجمه فارسی این رمان نوشته است، درباره این رمان و درون‌مایه و زمینه تاریخی-اجتماعی آن این‌گونه توضیح می‌دهد: «داستان بازار خودفروشی یک دوره تقریباً بیست‌ساله (از حدود ۱۸۱۱ تا حدود ۱۸۳۰) را دربرمی‌گیرد، معمولاً از لحاظ تاریخ تحولات اجتماعی اروپا سال ۱۸۳۰ را آغاز قرن نوزدهم می‌دانند. تا آن سال بورژوازی صنعتی و تجاری و مالی، قدرت اقتصادی و سیاسی را یک‌سره قبضه کرده بود. اشراف فئودال از میدان وقایع تاریخی و اجتماعی ناپدید گشته و به خلوت خود رانده شده بودند. شکی نبود که بورژوازی به پیروزی رسیده است.»

**صومعه پارم**



استاندارل
ترجمه ی اردشیر نیک پور
نویسنده، در فصل اول که عنوان آن «میلان ۱۷۹۶» است، بر مبنای اعترافهای یک ستوان فرانسوی، به نام روبر، ما را با

مارکی دل دونگو ی پیر، هوادار اتریش و مترجع دهمنش، و مخصوصاً دو زن، ماکیز جوان و خواهر مارکی، یعنی ژینا آشنا می‌کند.

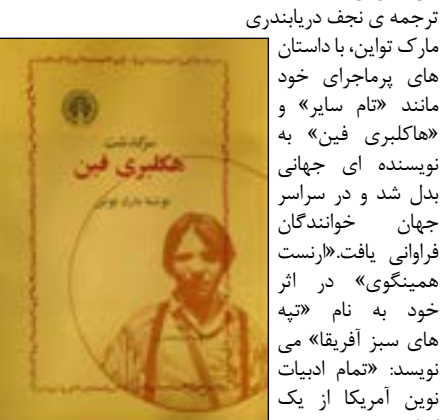
نویسنده با اشاره‌های سریع، تلقین می‌کند

که قهرمان جوان داستان، «مارکی جوان» فابریس دل دونگو، ثمره رابطه روبر و مارکیز است. این پس در دوره پرهیجان و پرافتخار جنگهای ناپلئون بزرگ می‌شود.

در قصر گریانتا در ساحل دریاچه کوم، که پدر و برادر بزرگش نماینده ارتجاع و تاریک‌اندیشی‌اند، سخت به مادر و عمه ژنیای خود (که بیوه یکی از افسران ناپلئون است) دل بسته است.
فابریس، در ۱۸۱۵، به شنیدن خبر بازگشت ناپلئون از جزیره الب، از خانه می‌گریزد تا به اتفاق وی بجنگد. پس از ماجراهای افسانه‌ای، عصر روز نبرد واترلو، به واترلو می‌رسد؛ بی‌آنکه چیز مهمی دریابد. شاهد نبرد و بعد گرفتار سیل عقبنشینی می‌شود. در بازگشت چون مارکی دل دونگو او را از قصر می‌راند به نزد عمه‌اش در پارم پناه می‌برد. در واقع، ژنیای بسیار زیبا که بیوه مانده است، با نخست‌وزیر شاهزاده پارم، کنت موسکا، آشنایی پیدا کرده و برای حفظ ظاهر، با دوک دو سانسورینا ی پیر ازدواج کرده است و زینت دربار حاکم ظالم و کوچک پارم است.

**سرگذشت هاگلبری فین**

مارک تواین



ترجمه ی نجف دریابندری
مارک تواین، با داستان های پرماجرای خود مانند «تام سایر» و «هاگلبری فین» به

نویسنده ای جهانی بدل شد و در سراسر جهان خوانندگان فراوانی یافت.«ارنست همینگوی» در اثر خود به نام «تیه های سبز آفریقا» که نویسد: «تمام ادبیات نوین آمریکا از یک کتاب سرچشمه می گیرد و آن «هاگلبری فین» اثر مارک تواین است... و بهترین ماجراهای هاگلبری فین داستان نوجوانی است که پدرش بعد از چند سال گم می‌شود بعد او با نام سایر دوست میشود. او را بدست فردی به نام بیوه می سپارند. او همراه با خواهرش دوشیزه واتسون زندگی میکند که او یک برده سیاه به اسم جیم دارد. هاگلبری فین و جیم که تلاش می‌کنند راهی برای رسیدن جیم به آزادی پیدا کنند. آنها درگیر ماجراهای زیادی می‌شوند و با افراد جالبی مواجه می‌شوند...

**«خداحافظ سارایوو»؛ خاطراتی محوز از زندگی در بستر جنگ**

مریم برادران
خداحافظ سارایوو کتابی است درباره محاصره شهر زیبای سارایوو، پایتخت بوسنی هرزگوین که به همین دلیل کتاب منحصر به فردی است. چون اغلب کتابهای چاپ و ترجمه

# روزنامه گاردین

شده جنگ بوسنی و هرزگوین به تجاوزه‌ای‌می‌پردازند اما این کتاب به محاصره‌ای اشاره دارد که از ۱۹۹۲ با اعلام استقلال بوسنی از یوگسلاوی شروع می‌شود و تا ۳ سال ادامه می‌یابد، چون استقلال مسلمانان در دل

اروپا به مذاق صریه‌ایی که در رؤیای صربستان بزرگ هستند خوش نمی‌آید. کتاب خاطره‌های انسانی است که از زبان دو خواهر «اتکا» و «هانا» روایت می‌شود؛ آتکادختر بزرگ خانواده ای است که از ۱۰ خواهر و برادر دیگرش بزرگتر است و ۲۱ سال دارد. مادر خانواده به خاطر فعالیت‌های بشر دوستانه عضو سازمان «مادران برای صلح» است و قبل از محاصره به وین رفته است و با تلاش بعد از مدت‌ها به سارایوو بر می‌گردد و در هرحال در سارایوو باشد یا بیرون از آن، بیشتر به فعالیت‌های اجتماعی مشغول است. بنابراین نقش مادر این خانواده پرجمعیت با آتکاست و مادرزرگی ۷۵ ساله که با اینکه جنگ جهانی دوم را تجربه کرده است، سرنزده و امیدوار است و برخلاف نوه‌هایش که در حکومت کمونیستی بزرگ شده اند و دین را اقیون توده‌ها می‌دانند، اعتقادات متفاوتی دارد اما این مانع ارتباط صمیمانه و با احترام دو طرف نیست. بوی قهوه‌هایش که بهترین لحظات امیدبخش را می‌سازد را می‌شود در جای جای خاطرات در سخت ترین شرایط احساس کرد. پدر خانواده مرد ایده‌الستی است که با نامه‌هایش سعی دارد جهان را بیدار کند و امیدوار است کمک‌ها را به سمت بوسنی بکشاند و به قول خودش اعلام کند «روح این شهر هنوز نمرده است». پدر، مادری ۸۰ ساله دارد به نام مایکا که در فاصله کوتاهی دو پسرش را از دست می‌دهد؛ یکی را تک تیراندازها می‌زنند و دیگری به نام زوران که کوچکترین پسر است در صف نانوای کشته می‌شود. خاطراتی که از زبان آتکا از زوران روایت می‌شود نشان می‌دهد، او چقدر دوست داشتنی است و همین مرگش را غم‌انگیزتر می‌کند. پسر او سه هفته بعد پایش را از دست می‌دهد و جراحات‌های روحی این خانواده را بیشتر می‌کند.

کتاب از اینجا آغاز می‌شود که هانا (۱۲ ساله) و نادیا (۱۵ ساله) قرار است سوار اتوبوس شوند و با تعدادی دیگر از کودکان و زنان از سارایوو به سمت کراسوی بروند. روز قبل، آتکا توانسته است دو صندلی برای آنها رزرو کند. جدایی تلخی است و به قول آتکا وقتی‌هانا از پله‌های اتوبوس بالا می‌رود، «چیزی درونم مرد و دلهره تمام وجودم را گرفت». بچه‌ها به دنبال سرنوشتی می‌روند و آتکا با دلی غمگین اما امیدوار به خانه بر می‌گردد؛ امیدی به تمام شدن جنگ به زودی زود که در بین همه مردم موج می‌زند. تصویرهای واقعی تلخ در این خاطره‌ها زیادند؛ مغازه‌های تعطیل و غارت شده، بازار سیاه، گرسنگی، صدای خمپاره ای که کم کم عادی می‌شود، گورستانهای پر شده و دفن کشتگان در پارک‌ها و زمینهای فوتبالی است که روزی محل شادی مردم بوده است و مرد گورکنی که قبلاً بیش از دوست داشت و حالا تفنگش را نه‌ا بیماری و نبود دارو که با وجود مجروحان جنگ ناچیز به چشم می‌آید، نبود آب و دبه‌هایی که باید با گذشتن از مسیری خطرناک زیر نگاه تک تیراندازها بر شوند. و این تک تیراندازها یکی از قسی‌القلب ترین‌ها هستند؛ به هیچ چیز رحم نمی‌کنند، نه زن و کودک، نه به عزادارانی که سرخاک عزیزانشان هستند، نه اتوبوس حامل ناهنندگان. با این همه جریان زندگی دارد. غم و شادیاها کنار هم روایت می‌شوند. از خاطره‌های دوست داشتنی همانجایی است که بچه‌ها هوس گوشت کرده‌اند و آتکا با زبیرکی قسمتی از برنج را به صورت گلوله در می‌آورد و وانمود می‌کند برنج و گوشت دارند و بچه‌ها با لذت می‌خورند، دلخوشی قهوه خوردن، رسیدن شکر، تلفنها و نامه‌هایی که از طریق خیرنگارها به دست اعضای خانواده می‌رسد، کار کردن اتکا در استودیو، صدای ناگهانی شر شر آب از لوله‌های خشکیده. ملاقاتهای گاه به گاه اعضای خانواده در سارایوو و بیرون از آن، درخت الوپی که با سخاوت میوه می‌دهد و خوراک مریزش از یکنواختی غذاها می‌کاهد، هرچند به زودی هیزم سوخت خانه می‌شود، همگی طعم زندگی در مل گرد را دارند.

خاطره‌های‌هانا بیرون از محاصره روایتی دیگر است؛ دختری با استعداد و عاشق درس که به زودی با استقرار در خانه دوستی خانوادگی، به مدرسه می‌رود. هرچند او و نادیا که به زودی با ورود للا سه نفر می‌شوند، به جای احساس امنیت بیشتر احساس حقارت، رفتارهای توهین آمیز و احساس سربار بودن را در مخاطب ایجاد می‌کنند. با این حال خانواده‌های مهربانی هم هستند که به قول‌هانا، با انصاف و بدون قضاوت مراقب آنهایند. با همان سن کم، کلمه پناهجو برای بچه‌هایی که تا دیروز خانه و خانواده داشته‌اند بار سنگینی است که تا انتها به دوش می‌کشند و سعی می‌کنند کاری نکنند اضافی به نظر برسند، کم می‌خورند و مراقب‌اند ناراحتی به بار نیآورند. از نقاط قوت کتاب، چند صدایی است؛ تصویرهای مختلف از آدمهای متفاوت. هم وطنی که برای منافع خودش بازار سیاه راه می‌اندازد یا رشوه می‌گیرد تا بیگانه‌ای که دوستانه یاری می‌کند، مثلالوری مزدوری انگلیسی است که با جنگ بوسنی به موستار می‌رود تا کرواتها را آموزش بدهد. وقتی کرواتها با مسلمانان درگیر می‌شوند و آنها را آزاره می‌کنند، لوری موضعش را تغییر می‌دهد و از مسلمانها حمایت می‌کند.

رسانه، نگاه امیدوارانه به غرب که با این گفته تکان دهنده «اگر نفت داشتیم یک نفر سریع اینجا بود»، خبرنگارانی که هم برای شهرت و هم برای ثبت وقایع حضور دارند، هریک بخشی از واقعیت جنگ را می‌نمایانند که شاید مشترک در همه جنگ‌هاست. به هرحال خاطرات در نهایت عاقبت به خیر می‌شوند و خانواده با همه غمهایشان در کنار اتکا که با اندرو، خبرنگاری از نیوزلند، ازدواج کرده است، با کمک خانواده اندرو دور هم جمع می‌شوند. «خداحافظ سارایوو» در کمال صداقت، تصویری از مردمی دوست داشتنی می‌سازد که خواننده می‌تواند به خوبی اجزای فرهنگی مردم آن کشور را بشناسد؛ روابط، عقاید، خوراک و هر چیزی که نشانی از فرهنگ دارد. این کتاب که با جسارت و بدون سانسور در نشر کتابستان به چاپ رسیده است را خانم عابدیه میرزایی، دانشجوی کارشناسی ارشد زبانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی ترجمه کرده است. به دلیل تخصص مترجم و امانتداری در ساختار زبانی، مخاطب ایرانی را با شکل متفاوتی از ترجمه گفتگوها مواجه می‌کند.

یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۷

**خبرها**

## «خندوانه» جدید از چهارشنبه پخش می‌شود

**بخش فرهنگی**– تلویزیون با پخش تیزر «خندوانه»، از آغاز پخش فصل جدید این برنامه از چهارشنبه (۲۶ اردیبهشت ماه) خبر می‌دهد.

به گزارش ایسنا، اولین قسمت از فصل پنجم برنامه «خندوانه» از هفته پایانی اردیبهشت ماه با طراحی و اجرای رامبد جوان از شبکه نسیم پخش خواهد شد. به گفته رامبد جوان کارگردان و مجری «خندوانه» در حال حاضر روزهای چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه برای پخش این برنامه در نظر گرفته شده است.

جوان پیش از این توضیح داده بود: ما قول داده بودیم «خندوانه» را فروردین ماه به آنتن تلویزیون برسانیم اما واقعیت این است که آنقدر کار داشتیم که نشد؛ از تهیه جا تا دکور جدید و غیره. اما قول می‌دهیم از ۲۶ اردیبهشت ماه به آنتن برسیم. بر این اساس «خندوانه» تا ایام محرم پخش می‌شود و پس از محرم و صفر نیز مجدداً روی آنتن خواهد رفت. دکور جدید «خندوانه» در بلوار ارتش ساخته شده است. علاقه‌مندان به عروسک جناب خان نیز می‌توانند در سری پنجم این برنامه شاهد حضور این عروسک باشند.



## کناره‌گیری رئیس «پولیتزر» به خاطر اتهام‌های جنسی

**بخش فرهنگی**– جنو دیاز نویسنده معروف به دلیل مجموعه‌ای از اتهام‌های جنسی از سمت ریاست جایزه ادبی «پولیتزر» کناره‌گیری کرد.

به گزارش ایسنا، هیات‌مدیره جایزه ادبی پولیتزر در بیانیه‌ای اعلام کرد «جنوو دیاز» نویسنده برنده جایزه پولیتزر و پروفیسور نویسندگی خلاقانه از سمت ریاست این جایزه ادبی کنار رفته است و به اتهام‌های او به صورت مستقل رسیدگی می‌شود.

دیاز که اخیراً به ریاست این نهاد ادبی گماشته شده بود، همچنان یکی از اعضای هیات‌مدیره جایزه پولیتزر باقی خواهد ماند. او که در سال ۲۰۰۸ با رمان «زندگی کوتاه شگفت‌انگیز اسکار رایبو» موفق به کسب جایزه پولیتزر ادبیات شد، در چند وقت اخیر با اتهام‌های سوء استفاده اخلاقی از سوی چند نفر روبه‌رو شده و به همین دلیل جشنواره نویسندگان سیدنی در استرالیا نیز از حضور او در این رویداد منامعت کرد. کتابخانه عمومی دانشگاه کمبریج هم اعلام کرد برنامه کتاب‌خوانی سالانه خود را با حضور «جنوو دیاز» لغو کرده است. بر اساس اعلام جایزه پولیتزر، از این پس «یوجین راینسون» رئیس قبلی هیات‌مدیره تا مشخص شدن وضعیت «جنوو دیاز» ریاست هیات‌مدیره این جایزه ادبی را بر عهده خواهد داشت. «دیاز» که علاوه بر جایزه پولیتزر، برنده چندین جایزه دیگر از جمله جوایز پن، او، هنری، حلقه ملی متقدین کتاب، مک آرتور و ساندی تایمز شده است، ماه گذشته در مقاله‌ای که در نشریه نیویورکر نوشته بود فاش کرد که در دوران کودکی مرتباً توسط فردی مورد آزار و اذیت جنسی قرار می‌گرفته است.



## پخش ۳۰ سریال رضانی از شبکه چهار

**بخش فرهنگی**– شبکه چهار سیما در ماه رمضان اسمال با برنامه «سی سریال» سریال‌های رضانی تلویزیون از دهه ۸۰ تا امروز را مرور و به صورت منتخب ۳۰ سریال را در قالب فیلم سینمایی پخش می‌کند. حسین مروی – تهیه‌کننده برنامه «سی سریال» – این گفت‌وگو با ایسنا ضمن اعلام این خبر، اظهار کرد: این برنامه با ساختار مستند نریشن هر شب سریال‌های رضانی تلویزیون از دهه ۸۰ تا امروز را مرور می‌کند و ۳۰ سریال منتخب را به صورت فیلم سینمایی پخش می‌کند که در این میان می‌توان به سریال‌های «خانه به دوش»، «میوه ممنوعه»، «مهرراز»، «صاحب‌دلان»، «او یک فرشته بود»، «پشت کنکوری‌ها»، «رانت‌خوار کوچک» و ... اشاره کرد.

او یادآور شد که در بخش نقد و بررسی نیز نگارش مطالب بر عهده منتقدانی چون عزیزالله حاجی مشهدی، احسان ناظم بکایی، نغمه خدابخش، لیلی میرهادی و ... است.

نخستین قسمت برنامه «۳۰ سریال» به تهیه‌کنندگی حسین مروی روز پنجشنبه (۲۷ اردیبهشت ماه) همزمان با آغاز ماه مبارک رمضان از شبکه چهار سیما راهی آنتن می‌شود، ساعت پخش این برنامه ۱۷ و ۳۰ دقیقه خواهد بود.



## استقبال ۱۵۰ هزار نفر از «همه می‌دانند» اصغر فرهادی در فرانسه

**بخش فرهنگی**– ۱۵۰ هزار تماشاگر در دو روز اول اکران عمومی «همه می‌دانند» اصغر فرهادی در فرانسه به تماشای این فیلم نشستند. به گزارش خبرآنلاین، با آغاز اکران عمومی فیلم «همه می‌دانند» تازه ترین ساخته اصغر فرهادی در فرانسه، در دو روز گذشته ۱۵۰ هزار نفر به تماشای این فیلم نشستند. «همه می‌دانند» اکران عمومی خود را با ۴۳۰ سینما از نهم ماه می در فرانسه آغاز کرده است. این فیلم روز گذشته میزبان ۷۵ هزار نفر در سالن‌های سینما بوده است.

در تازه ترین فیلم اصغر فرهادی که روز سه شنبه در افتتاحیه جشنواره کن به نمایش درآمد خاویر باردم، پته لوبه کروز و ریکاردو دارین به ایفای نقش می‌پردازند.